

ملل شرق در دیدگاه فردوسی و شاهنامه

امید شیوا^۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۲۲

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۱۹

چکیده:

نگاه و اندیشه غربیان در تمام طول تاریخ همواره متوجه شرق و شرقیان بوده و در همین راستا دانش شرق شناسی به منظور پژوهش و شناخت آداب، رسوم و تمامی دانشهای مربوط به مردم خاور زمین در غرب شکل گرفت که متأسفانه تا حال پایه و اساس آن اغلب بر اصل تفکیک و تبعیض شرق از غرب و با هدف برتری و تسلط استعمار گونه غربیها پیش رفته است. با این حال به نظر می رسد این شیوه تحقیر آمیز در نگرش غرب به شرق دوامی نیاورد و به ویژه با کشفیات جدید باستان شناسی و مطالعات منصفانه علمی جای خود را به تکریم و تعظیم دهد.

ملل شرق قرنهای پیش از دنیای غرب قدم در راه تمدن گذاشتند؛ کهن ترین شهرهای جهان باستان در بین النهرین عراق، جیرفت ایران و موهنجودارو در هندوستان موجب شگفتی بسیاری شدند. امپراطوریهای بزرگ و قدرتمند در ایران، هند و چین باستان همگی زمانی شکل می گیرند که غالب جهان باستان هنوز در آغاز راه شهرنشینی است. به این ترتیب بر ما که زادگان این سرزمین هستیم از نگاه غربیان به خود نگرستن مایه شرمساری است.

در این مختصر برآنیم تا پراکندگی نژادی و جغرافیایی ملل شرق را در تطابقی تاریخی با ابیات شاهنامه فردوسی قرار دهیم و در پی آن به مطالعه آداب، رسوم و اساطیر این ملل بپردازیم. بدیهی است مجال کوتاه این مقاله فرصت آن را نمی دهد تا بحث مفصل شود، بنابراین از آن دسته ملل یا سرزمینهایی که ذکر آنها کمتر در تاریخ کهن و شاهنامه فردوسی آورده شده است صرف نظر خواهیم کرد.

واژگان کلیدی:

ملل شرق، فردوسی، شاهنامه

مقدمه:

نشستند هر سه به آرام چنان مرزبانان

فَرخ نژاد ۳

سه برادر چندی با هم به نیکی بودند تا آنکه سلم و تور با حسادت خود کینه ایرج را به دل گرفتند که چرا پدر سرزمین بهتر را به ایرج داده است، در ایات پایین می بینیم که چگونه سلم با گفتار خود بذر کینه را در دل تور می‌کارد:

سزد گر بمانیم هر دو دژم
کزین سان پدر کرد بر ما مستم
چو ایران و دشت یلان و یمن
به ایرج دهد روم و خاور به من
سپارد تو را مرز ترکان و چین
که از تو سپهدار ایران زمین ۴

همان گونه که آمد یمن نیز ضمیمه خاک ایران به ایرج سپرده شد. در اوستا کتاب مقدس ایرانیان نیز درباره ایران چنین آمده است: اگر من هر سرزمینی را چنان نیافریده بودم که بسی رامش بخش نباشد تا به چشم مردمانش خوش آید، همه مردمان به ایران ویج روی می‌آوردند. نخستین سرزمین و کشور نیکی که من - اهورامزدا - آفریدم، ایران ویج بود بر کرانه رود دایتیا نیکی. ۵ امپراطوری ایران، دست کم از نظر وسعت بزرگ ترین کشوری بود که تا آن روزگار دیده شده بود. سامیها، هیتیها، یونانیها و مصریها اتباع این امپراطوری بودند و اشراف ایرانی بر همه آنها حکومت می‌کردند. پادشاه بزرگ ایران در عین حال فرعون مصر و پادشاه بابل بود. ۶

تابعیت بابل از ایران در شاهنامه نیز آمده به این ترتیب که در داستان یزدگرد و در پی حمله تازیان عرب به امپراطوری ایران بابل نیز مورد هجوم قرار می‌گیرد:

گذر یافتندی به ارونـد رود نماندی بر این بوم و
بر تار و پود
به ایران و بابل نه کشت و درود به چرخ زحل بر شدی
تیره دود ۷

۳. شاهنامه فردوسی - حکیم ابوالقاسم فردوسی - تحت نظری آ. برتلس (از چاپ مسکو) - نشر اندیشه عالم - ۱۳۸۱ ص ۲۲
۴. همان منبع - ص ۲۲
۵. اوستا کهن ترین سرودهای ایرانیان - دوستخواه، جلیل - نشر مروارید - جلد دوم - ۱۳۷۱ ص ۶۵۹
۶. تاریخ تمدن - لوکاس، هنری - ترجمه دکتر عبدالحسین آذرنگ - کتابخانه ملی ایران - جلد اول - ۱۳۸۲ ص ۱۷۵
۷. شاهنامه فردوسی - نشر اندیشه علم (از چاپ مسکو)

مفهوم عمومی شرق در بین اغلب پژوهشگران همان آسیا و دنیای غیر اروپایی است که در برابر غرب مسیحی قرار می‌گیرد.

آسیا کهن ترین و پهناورترین قاره جهان است که با مساحت تقریبی ۴۳/۴ میلیون کیلومتر مربع و جمعیتی بالغ بر ۳/۳ میلیارد نفر در مجموع ۵۴ کشور را در خود جای داده که برخی از بزرگ ترین و پر جمعیت ترین کشورهای جهان در میان آنها دیده می‌شوند. آسیا از شمال به اقیانوس منجمد شمالی، از جنوب به اقیانوس هند، از شرق به اقیانوس آرام و از غرب به دریای مدیترانه و بخش میانی روسیه مرزبندی شده است. ۱. در ابتدای شاهنامه حکیم فردوسی می‌بینیم که فریدون سرزمینهای تحت حکومت خود را میان سلم، تور و ایرج سه فرزند خود چنین تقسیم می‌نماید:

نهفته چو بیرون کشید از نهران
بسبب بخش کرد آفریدون جهان
یکی روم و خاور ۲ دگر ترک و چین
سیم دشت گردان و ایران زمین
نخستین به سلم اندرون بنگرید
همه روم و خاور مرا اسزید
بفرزند تا لشکری برگزید
گرازان سوی خاور اندر کشید
بتخت کیان اندر آورد پا
همی خواندندیش خاور خدای
دگر تور را داد توران زمین
ورا کرد سالار توران و چین
یکی لشکری نامزد کرد شاه
کشید آنگهی تور لشکر براه
بیامد بتخت کئی برنشست
کمر بر میان بست و بگشاد دست
بزرگان بر او گوهر افشاند
همی پاک توران شهش خواندند
از ایشان چو نوبت به ایرج رسید
مرا و را پدر شاه ایران گزید
هم ایران و هم دشت نیزه وران
هم آن تخت شاهمی و تاج سران
بدو داد کورا سزاد بود تاج همان کرسی و مهر و
آن تخت عاج

۱. دانشنامه ویکی‌پدیا - اینترنت. www.wikipedia.org

۲. خاور در اینجا به معنی مغرب زمین است.

بی- نصیب ماند دیگر توجه و علاقه کسی را بر نخواهد انگیخت. ۷

هر چند اسطوره در لغت با واژه historia به معنی روایت و تاریخ هم ریشه است اما در تعریف مفهوم اسطوره در کتاب اساطیر ایران و هند نیز چنین آمده: روایت یا جلوه ای نمادین درباره ایزدان، فرشتگان، موجودات فوق طبیعی و به طور کلی جهان شناختی که یک قوم برای تفسیر خود از هستی به کار می بندد، تخیلی وهم انگیز می گوید چگونه چیزی بوجود آمده، هستی دارد یا از میان خواهد رفت. ۸

ایرانیان باستان جهان را گرد و هموار مانند بشقابی تصور می کردند که زمین در حالت اصلی و دست نخورده خود هموار بوده، نه دره ای داشته و نه کوهی، خورشید و ماه و ستارگان نیز در بالای زمین بی حرکت وسط آسمان قرار داشتند و همه چیز آرام و هماهنگ بود تا اینکه این آرامش با ورود شر (اهریمن) به عالم در هم شکسته شد. کوه البرز طی هشتصد سال از زمین روید، از وسط قله این کوه تا به عرش پل چینوت کشیده شد تا روانها پس از مرگ به سوی بهشت یا دوزخ از روی آن بگذرند. ایزد تیشتر قطرات باران را ساخت که با وزش باد به یک سو دریای بی انتها و کیهانی ورو کشته در آن سوی قله البرز تشکیل شد و با بارش نخستین باران زمین به هفت بخش تقسیم شد و آدمیان دیگر قادر نبودند از سویی به سوی دیگر روند مگر بر پشت گاو آسمانی به نام سریشوک که نیمی انسان و نیمی دیگر از گاو است. ۹ اینها تنها اشارات مختصری بود به انبوه اساطیر ایران زمین که اگر چه امروزه تنها در منابع کهن محفوظ مانده اما می توان بسیاری از آنها را بازسازی نمود.

اما باید به خاطر داشت که ایران امروزی تنها جزعی از مرز و بوم ایران باستانی است و بنابراین از آن کوچکتر است. ما باید همیشه میان مفهوم ایران تاریخی و ایران امروز فرق بگذاریم. تا امروز در تاریخ نگاری اتحاد جماهیر شوروی سابق و نیز افغانستان به دلایل سیاسی از این بابت حقیقت نوشته نمی شد و مورخان تحت فشار رژیم وقت کوشش می کردند که سرزمینهای امروزی آسیای مرکزی و افغانستان را همچون کشورهای

۷. زبان رمزی افسانه ها - م. لوفر، دلاشو - ترجمه جلال ستاری - نشر توس - ۱۳۸۶ ص ۵۲
 ۸. درآمدی بر اسطوره ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان - دادور، ابوالقاسم و منصور، الهام - نشر کلهر - چاپ اول - ۱۳۸۵ ص ۲۵
 ۹. درآمدی بر اسطوره ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان - دادور، ابوالقاسم و منصور، الهام - ص ۲۷ و ۲۸ به اختصار

همانطور که روشن است ایرانیان خود را از نژاد آریایی میدانند؛ دکتر رضایی در کتاب تاریخ ده هزار ساله ایران گروه آریایی را یکی از شعب مهم خانواده هند و اروپایی می داند که به تدریج از هزاره دوم تا اواخر هزاره اول پیش از میلاد وارد ایران شده و با اقوام بومی این سرزمین در آمیختند. ۱ دکتر فریدون جنیدی آریاییان را انسانهایی با روحیه آرام و طبیعت دوست می داند که با پیروزی بر مشکلات طبیعی و دشمنان و نیز با برخورداری از روحیه آرام و طبیعت دوست خود توانست دوره آسایشی در زندگی خود بوجود آورد که منجر به پیشرفتهای فراوان در جوانب مختلف زندگی آنها شد. ۲ در تاریخ تمدن هنری لوکاس نیز آمده که اقوام ماد و پارس آریایی در ایران برای نخستین بار توانستند دولتی با اهمیت جهانی تشکیل دهند. ۳

با این حال ویرگوردون چایلد در کتاب خود با نگاهی غربی و مغرضانه و بدون استناد به هیچ مرجع معتبر علمی، تاریخی و یا باستان شناسی عمده ویژگی آریاییان را در غارتگری و وحشی بودن آنها می داند که تنها با کشف چند جاده به تاج و تخت رسیدند. ۴ مطالعات باستان شناسی نشان می دهد که در اواسط هزاره دوم قبل از میلاد مسیح که حدوداً برابر عصر آهن و ورود اقوام آریایی است، مردم ساکن در فلات ایران به جهان پس از مرگ باور داشتند و همراه مردگان خود احتیاجات روزانه هر فرد را بای زندگی در جهان دیگر دفن می کردند. ۵ آیین باستانی زرتشت را باید از مهمترین دینهای باستانی در جهان به شمار آورد. این آیین زندگی و خصلت ایرانی را در هم سرشته و به دفاع از درستکاری و استواری در هدف برخاسته است. ۶

منابع کهن ایرانی سراسر داستان دیوان و پریانی است که در نبرد خیر و شر با هم در ستیزند. به عقیده لوفر دلاشو، خیال پردازی جمعی یا قومی هرگز نمی تواند از موجودات فوق - طبیعی و ارباب انواع، دیوان یا پریان و یاری و یآوری آنها چشم بپوشد، چون اگر از آنها

۱. تاریخ ده هزار ساله ایران - رضایی، عبدالعظیم - نشر اقبال - چاپ سیزدهم - جلد اول - ۱۳۸۰ ص ۱۴۳ و ۱۴۴ و ۱۴۵ به اختصار
 ۲. زندگی و مهاجرت آریاییان بر پایه گفتارهای ایرانی - جنیدی، فریدون - نشر بلخ - چاپ چهارم - ۱۳۸۶ - ص ۹۱ به اختصار
 ۳. تاریخ تمدن - لوکاس، هنری - ص ۱۷۴ به اختصار
 ۴. آریاییها - چایلد، ویرگوردون - ترجمه محمدنقی فرامرزی - نشر نگاه - ۱۳۸۶ ص ۲۷۱ به اختصار
 ۵. باستان شناسی و هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد - طلایی، حسن - انتشارات سمت - ۱۳۷۴ ص ۱۵۰ به اختصار
 ۶. تاریخ تمدن - لوکاس، هنری - ص ۱۸۱

می کردند و اسامی جغرافیایی و گروههای نژادی آنها همچون مرغیان، پارت (ترکمنستان جنوبی به اضافه قسمتی از خراسان در شمال شرقی ایران)، خوارزم واقع در بستر پایین آمودریا و سغد و سغدیان در طول سده های متمادی آورده شده. ۴

بلیتیسکی همچنین جایگاه نخستین آریاییها را در فلات پامیر، سرزمین کهن خوارزم و سواحل شرقی دریای کاسپین دانسته و وجود مکانهای تاریخی در این منطقه را شاهد شکوفایی آنها در دورانهای کهن ذکر کرده. ۵
تاجیکان از ایرانیان شرقی اند که وطن تاریخی آنها، خراسان بزرگ شامل آسیای میانه، قسم زیاد افغانستان امروزی و شرق و شمال شرقی ایران امروزی است. ۶
مطابق تحقیق اغلب

مورخان، اقوام ایرانی در هزاره دوم پیش از میلاد در حدود افغانستان امروزی ساکن شدند. اینکه قبل از سکونت آنها در این سرزمین، کدام قبایل و قومها زندگی می کردند مشخص نیست ع شاید اینجا قومی زندگی نمی کرده. چنانچه معلوم است اقوام ایرانی در هزاره سوم پیش از میلاد از وطن اصلی خود در اروپای مرکزی و شرقی به طرف شرق حرکت کردند و قسمتی از طریق قفقاز وارد و قسمتی دیگر از راه شمال دریای خزر و خارزم در بخشهای وسیعی از آسیای میانه امروز و افغانستان و ایران ساکن شدند. پژوهشهای علمی ثابت کرده که اقوام ایرانی اولین ساکنان این مناطق محسوب می شوند و نیز باید دانست که در زمانهای قدیم این سرزمینها با

اسامی گوناگون امروزی مثل افغانستان یا آسیای میانه نامیده نمی شدند. در عهد قدیم تا اوایل قرون وسطی از همگی این سرزمینها با نام ایران یاد می شد که مفهوم آن از واژه آریایی پیدا شده است چراکه ساکنان اصلی و بومی این سرزمین خود را آریاییان می نامیدند. ۷ در شاهنامه نیز از ماوراءالنهر و شهرهای آن به دفعات یاد شده:

یکی مهتر از ماوراءالنهر بر که بگذارد از چرخ گردنده سر ۸

گذر گاههای تجاری در طول تاریخ خود همواره عامل ارتباط میان شرق و غرب بودند که در نتیجه ان نوعی

۴. همان منبع - ص ۷۹ و ۸۰ به اختصار

۵. همان منبع - ص ۱۸

۶. تاجیکان، آریاییها و فلات ایران - شکورزاده، میرزا - ص ۲۱۷

۷. همان منبع - ص ۲۹۱ و ۲۹۲

۸. شاهنامه فردوسی - از چاپ مسکو - ص ۱۶۱

مستقل و مرزهای جداگانه نشان دهند که البته این تحریفات تاریخی بیشتر با منافع امپراطوری روسیه سازگار بود. ۱

در ادامه اشاره ای به سرزمین ماوراءالنهر، گوشه ای از سرزمین ایران باستان خواهیم داشت که امروزه ترکمنستان و بخشی از خاک افغانستان، ازبکستان و تاجیکستان را شامل می - شود. منطقه ای که بعدها از سوی اعراب ماوراءالنهر نامیده شد، قسمت اصلی شاهنشاهی ایران را که کوروش و داریوش بوجود آورده بودند تشکیل می داد و بعد از اینکه اسکندر کبیر آن را اشغال کرد، جزء حکومت یونان (باکتريا) شد که البته چندی به طول نکشید که در اواخر سده دوم قبل از میلاد، دولت یونانی باکتريا با سرکوب پارتیان و کوچندگان آسیای مرکزی منهدم شد. ۲

نظریه بسیار غلوآمیز، مرزهای شرقی پادشاهی یونانی - بلخی (باکتريا) را در اوج شکوفایی آن به چین محدود می سازد. اما این نظر تنها به یک اشاره استثنایی در یکی از منابع استوار است. هرگز این اطمینان وجود ندارد که دولت باکتريا بر سرزمینهایی چون فرغانه و خوارزم تسلط پیدا کرده باشد، اما به هر حال برتری سیاسی یونانیها در آسیای میانه تا سالهای ۳۰ قرن دوم پیش از میلاد بیشتر طول نکشید در حالی که پادشاهی پارت از عمر طولانی تری برخوردار بود و تا قرن سوم میلادی حاکمیت آن بر ناحیه جنوب غربی آسیای میانه ادامه داشت. جالب است که دو قرن سلطه یونانیان در آسیای میانه (از ورود اسکندر د ۳۲۹ ق.م تا سقوط پادشاهی یونانی - بلخی در حدود ۱۳۰ ق.م) تاریخ نویسان اروپای غربی را بسیار بر خود مشغول داشته است. ۳

نخستین آگهی های ما نسبت به آسیای میانه و مردم این سرزمین را هرودوت در اختیار ما می گذارد، اطلاعات هرودوت بویژه درباره قرن پنجم پیش از میلاد ارزش فراوانی دارد اما در این باره منبع بسیار کهن دیگری نیز وجود دارد که همان اوستا کتاب مقدس زرتشتیان است؛ منبع کهن دیگر علاوه بر کتیبه بیسون (۵۲۰ ق.م) خاطرات کتزیاس پزشک یونانی دربار اردشیر دوم پادشاه هخامنشی است. در تمام این منابع درباره آسیای میانه و نژادهای که در آنجا زندگی

۱. تاجیکان، آریاییها و فلات ایران - شکورزاده، میرزا - نشر سروش - چاپ دوم - ۱۳۸۳ ص ۲۹۲

۲. همان منبع - ص ۱۹

۳. خراسان و ماوراءالنهر (آسیای میانه) - بلیتیسکی - ترجمه دکتر پرویز ورجاوند - نشر آسیا - چاپ دوم - ۱۳۷۱ ص ۱۰۲ به اختصار

از شناخت و آمیزش فرهنگی نیز حاصل شده است. به غیر از جاده ابریشم که از سوریه به بین‌النهرین و ایران، و از ایران به هند و چین می‌رسید؛ بخش مهمی از مبادلات نیز از راه توأم دریا-خشکی انجام می‌شد یعنی از راه سوریه به بین‌النهرین و از آنجا به هندوستان و از راه خشکی در ادامه به شرق دور می‌رسید.^۱

پس از ایران در مسیر سرزمینهای شرق دور هندوستان قرار دارد. در تمدنهای عالم درباره هند آورده شده: حیات شهری مدتهای مدید پیش از آنکه تصور می‌کردیم در هند وجود داشته. ساکنان دره سند تا ۲۵۰۰ ق.م مزارعی با سیستم آبیاری و شهرهای نسبتاً وسیعی پدید آوردند که با روستاهای اطراف و همسایگان دوردست در غرب به فراوانی دادوستد می‌کردند.^۲

هندوستان با بنگلادش در شمال شرق، با چین در شمال و با پاکستان در غرب و شمال غرب هم مرز است. شبه قاره هند که در مرزهای شمالی خود به قاره آسیا متصل می‌شود، سه منطقه مشخص جغرافیایی دارد. شمال شرقی که در آن کوههای عظیم هیمالیا ماوای سنتی خدایان همچون مانعی سربرافراشته اند ع منطقه حاصلخیز واقع در شمال غربی و جنوب کوههای هیمالیا که در آن دره‌های رودهای سند و گنگ دامن گسترده اند و شبه جزیره هند مرکب از فلاتهای گرمسیری که بوسیله کوهها و جنگلها از رودهای ش‌اؤگرمای گرمسیری تا برف و یخچالهای دایمی، از اقلیم بیابانی تا سنگین ترین باران‌های سالانه در جهان به چشم می‌خورد.^۴

در شاهنامه بارها از هند و هندیان یاد شده و داستانهایی چون طلخند و گو یا نهادن شطرنج و ... اساساً مربوط به این سرزمین است:

که در هند مردی سرافراز بود که بالشکر و با خیل و با ساز بود

خنیده به هر جای جمهور نام بمردی به هر جای گسترده گام

چنان پادشاه گشته بر هندوان خردمند و هوشیار و

۱. ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد - ویسپوفر، یوزف -

ترجمه مرتضی ثاقب فر - نشر ققنوس - ۱۳۷۸ ص ۱۸۷

۲. تمدنهای عالم - جی. ادلر، فیلیپ - ترجمه محمدحسین آریا ط نشر امیرکبیر - جلد اول - چاپ اول - ۱۳۸۴ ص ۹۱

۳. گیتاشناسی نوین کشورها - جعفری ع عباس - مؤسسه جغرافیایی کار توگرافی گیتاشناسی - چاپ دوم - ۱۳۸۴ (نقشه سیاسی هند) ص ۵۰۱

۴. هنر در گذر زمان - گاردنر، هلن - با تجدید نظر دلاکروا، هروست و ج. تنسی، ریچارد - ترجمه محمد تقی فرامرزی ط نشر آگاه - نگاه - چاپ هشتم ۱۳۸۶ ص ۶۸۹

روشن روان

و را بود کشمیر تا مرز چین برو خواندندی بداد،

آفرین ۵

اما از میان تمام شهرهای هندوستان که در شاهنامه آمده همانند شگنی، مولتان، دنبر و ... نام کشمیر و قنوج بیشتر به چشم می‌خورد:

ز کشمیر تا پیش دریای چین به هر شهر بر ما کنند

آفرین ۶

و یا:

به نزدیک شنگل نگهبان هند ز دریای قنوج تا مرز

سند ۷

نام پهلوانان هند را نیز در شاهنامه اغلب به نیکی می‌بینیم:

یکی با گهر بود نامش سورگ ز هندوستان پهلوانی

سترگ ۸

مختصات نژادی و دینی مردم هند نیز همانند جغرافیای این سرزمین متنوع است. رایج-ترین زبان در شمال هند، زبان هندی است که از زبان سانسکریت مشتق شده است؛ زبان اردو نیز که از زبان سانسکریت مشتق شده در میان بیشتر مسلمانان ساکن هند رواج دارد. در جنوب نیز چندین زبان دراویدی بی‌آنکه ارتباطی با زبان سانسکریت داشته باشند رواج دارند. رشته کوههای گذرناپذیر هیمالیا در شمال هند، خاک این کشور را در برابر اقوام مغولی یورشگر حفظ کرده است. برای گروههای مهاجر تنها امکان این بود که از شمال باختری و از راه بلخ یا از راه نجد ایران به مناطق مرکزی آسیا و درون خاک هند کوچ کنند. ۱۰ زبان و اندیشه‌های دینی هند و اروپایی که از این راه تاد دره رود سند پیش رفت با زبان و اندیشه‌های دینی ایرانیان پیوند داشت. میان مهاجران و قوم تیره پوستی که معمولاً با نام نژاد دراویدی از آنها یاد می‌شود جنگ و کشمکش در گرفت و پس از کشمکشهای بسیار، یورشگران بخشهای شمالی هند را تصرف کردند. اما اقوام دراویدی که در جنوبی‌ترین بخش شبه جزیره می‌زیستند از خطر سلطه آریاییان کاملاً در امان ماندند. منشاء این دراویدیها یا اقوام تامیل که هنوز در آن ناحیه ساکن بودند و زبان و

۵. شاهنامه فردوسی - (از چاپ مسکو) ص ۴۵۴

۶. همان منبع - ص ۴۵۸

۷. همان منبع - ص ۴۰۸

۸. همان منبع - ص ۳۳۸

۹. هنر در گذر زمان - گاردنر، هلن - ص ۶۸۹

۱۰. تاریخ تمدن - لوکاس، هنری - ص ۱۷۸ و ۱۷۹

در اوستا و نزد ایرانیان همان اهریمنی است که ۹۹۹۹۹ بیماری می آفریند، در حالی که در ریگ ودا او یک آدیتی یا نیروی خیر است که اغلب همراه با میترا و وارونا ستایش می شود. ۵.

نامهای مشترک و مشهور دیگری نیز در اساطیر ایرانی و هندی یعنی آریایی به چشم می خورد، از این قبیل است: (بییم) ۶ که به هندی بیم ۷ و به فارسی جدید جم یا جمشید است؛ (ثریتونه) که به هندی تری تنن ۸ و به فارسی جدید فریدون است و بسیاری اسامی مشترک دیگر که از پیوندهای تاریخی خبر میدهد.

در اینجا لازم است پیش از پرداختن به سایر سرمینه‌ها اشاره ای به نام مازندران داشته باشیم که در شاهنامه نیز در موارد متعدد آورده شده است.

به عقیده حسین کریمان، مراد از مازندران در شاهنامه مازندران فعلی در شمال تهران نیست و این اخیر را بدان عهد بیشه نارون و یا بیشه تمیشه و نیز طبرستان می نامیدند. ۹.

چو آمد به نزدیک تمیشه باز نیارابدیدار او بد نیاز ۱۰

در شاهنامه مازندران بر دو محل ناظر است. یکی در مغرب و در عربستان، حدود یمن و مصر و شام و دیگری در مشرق، یعنی در لاهور و مولتان و کشمیر و حدود بدخشان و فلات پامیر. ۱۱.

در شاهنامه فردوسی در دو داستان مختلف از مازندران یاد شده است، یکی در عهد پادشاهی منوچهر و نوذر از پادشاهان پیشدادی که مازندران شرق است:

همه گرگساران و مازندران به تورااست کرئم به گرز گران ۱۲

و دیگر در دوران گیکاووس از پادشاهان کیانی که مازندران مغرب است:

چگونه کشیدی به مازندران کمند کیانی و گرز

۵. اوستا کهن ترین سرودهای ایرانیان - دوستخواه، جلیل - ص ۸۸۵ به اختصار

6.yima

7.yama

8.traitanan

۹. پژوهشی در شاهنامه - کریمان، حسین - سازمان اسناد ملی ایران - ۱۳۷۵ ص ۱۴۱

۱۰. شاهنامه فردوسی - (از چاپ مسکو) - ص ۳۰

۱۱. پژوهشی در شاهنامه - کریمان، حسین - ص ۱۴۱

۱۲. شاهنامه فردوسی - (از چاپ مسکو) - ص ۹۶

ادبیات خاص خود را داشتند در تاریکی عصر نوسنگی فرورفته است. ۱۰ ورونیکا ایونس درباره این اقوام چنین می گوید: اقوام دراویدی پراکنده در هند و سیلان اعقاب بوم زادان هند و دراویدهای نخستینی بودند که در فاصله سالهای (۴۰۰۰ تا ۲۵۰۰ ق.م) به سرزمین هند راه یافتند. دراویدیان خالق تمدن درخشانی بودند که در دره رود ایندوس شهرهای بزرگ و مهم هاراپا و موهنجودارو از آن شکل گرفت. از این تمدن تا به حال آثار نوشته شده ای یافت نشده است اما بقایای باستانی این دو شهر از کیش دراویدی، خاستگاه خدایان و کیش های بعدی هند سخن می گوید. به عبارت دیگر میراث فلسفی و فرهنگ هند از دو خاستگاه متأثر بود؛ نخست خاستگاه ودایی و آریایی که با فرهنگ هند و اروپایی پیوند دارد و دوم فرهنگ بوم زاد پیش از ورود آریاییان به هند که با تمدن موهنجودارو و هاراپا یعنی تمدن دره ایندوس پیوند می یابد و با تمدنهای کهن بینالنهرین بستگی دارد و آیین هندو از آن متأثر است. ۲.

غالب پژوهشگران، وجود شباهت و رابطه بسیار نزدیک میان اساطیر و سنبله‌های ایران هند را که ریشه در اندیشه ها و باورهای کهن دین آریایی دارد پذیرفته اند، از جمله این شباهت می توان به میترا ایزدبانوی روشنایی در ایران باستان و آیین مهرپرستی اشاره کرد که در ریگ ودانیز از جمله خدایان مهم محسوب می شود.

میترا از خدایان مهم ریگ ودا است که از هم پیمانان وارونا بوده و نام او به جز در یک مورد همراه نام وارونا آمده است. برای مثال در ریگ ودا چنین می خوانیم: ای میترا - وارونا ای فرمانروای آسمانی که بر عرش مقدس حکم می رانید و روشنایی نور را نظاره می کنید. ۳ در کتاب مقدس ودا متعلق به هندیان باستان نیز نام مهر به صورت میترا چندین بار تکرار می شود و معنای پیمان می دهد. در کتاب مقدس اوستا نامه دینی ایرانیان باستان نیز نام میترا آمده و سرودی به نام مهریشت در اوستا در ستایش اوست ۴. اما نکته اینجاست که اغلب نقش خیر و شر ایزدان مشابه در هند و ایران معکوس است. برای مثال اهریمن که یکی از ایزدان کهن هند و ایرانی است

۱. همان منبع - ص ۱۸۹

۲. اساطیر هند - ایونس، ورونیکا - ترجمه باجلان فروغی - نشر اساطیر - چاپ دوم ۱۳۸۱ ص ۲۷۵

۳. درآمدی بر اسطوره ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان - دادور، ابوالقاسم و منصوری، الهام - ص ۲۷۵

۴. آئین میترا - ورمارزن، مارتن - ترجمه بزرگ نادر زاد - نشر چشمه - ۱۳۷۲ ص ۱۶

می دانستند که یکی از قبایل هوبینگ یو ۷ یعنی هونها بود. در سال ۴۳۳ میلادی در اثر فشار ناشی از ستم امپراطور توبای سوم، هفتصد خانوار ترک به مرزهای طایفه جون جون مهاجرت کردند. بعدها این گروه به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شدند. قسمت شرقی، کشورهای مغولستان و کوههای اورال را به تصرف درآوردند و بخش غربی، زمینهای میان کوههای آلتائی و سیحون را تصاحب کردند. ۸. شاهنامه سراسر داستان رزم و کشمکش میان ایران و توران است:

ز ترکان و چین هزاران هزار کمر بستگان
از در کارزار

بیاریم بر گرد ایران سپاه بسازیم هر سو
یکی رزم گاه ۹

گاه می بینیم که در شاهنامه خاقان چین حاکم توران
خوانده می شود:

بزرگان ز هر جای برخاستند به خاقان چین
خواهش آراستند

که بر لشکر امروز فرمان تراست همه کشور چین و
توران تراست ۱۰

در تاریخ هم آمده که ترکان در قرن هفتم میلادی اسماً
تفوق و حکومت امپراطوری چین را پذیرفتند. ترکان از
قبایلی تشکیل شده بودند که به طور نه چندان مستحکم
تحت ریاست مقامی به نام خان به هم متصل بودند و
از مغولستان تا آمودریا به صورت پراکنده زندگی می
کردند. این شبکه را که از چین تا پارس امتداد داشت
امپراطوری ترک می گفتند. ۱۱

در تاریخ ده هزار ساله ایران می بینیم که ساسانیان از
جهت امور و مسائل خارجی در سه جبهه با نهایت
قدرت با دشمنان ایران در نبرد بودند. در مغرب با
رومیان، در مشرق با کوشانیان [یوئه چیها] و هپتالیان
یا هیطالیان و در شمال با وحشی ها، و در ادامه آمده؛
هیاطله (hayatela) یا هپتالیان در سال ۳۰ ق. م.
یکی از طوایف چینی به نام کویشانگ دولتی تشکیل
دادند. رؤسای طایفه مزبور در زمان فرمانروایی اوگوست
، با دولت روم مراوده داشتند. هپتالیان به تدریج از میان

7. huinguu

۸. تاریخ ده هزار ساله ایران - رضایی، عبدالعظیم - ص ۷۱

۹. شاهنامه فردوسی - (از چاپ مسکو) - ص ۲۰۲

۱۰. همان منبع - ص ۱۶۸

۱۱. تاریخ جهان (تاریخ تحلیلی جهان از آغاز تا پایان قرن بیستم) - مورس
رابرتس، جان - ترجمه منوچهر شادان - نشر بهجت - چاپ اول - ۱۳۸۶ ص

۳۲۵

گران ۱

مازندرانی که کیکاووس به آنجا لشکر کشی کرد به
هیچ وجه با مازندرانی که سام با دیوان در آنجا جنگید
تطبیق نمی کند. زیرا وقتی کیکاووس تصمیم خود را
برای تصرف مازندران اعلام می کند، زال و دیگر
پهلوانان ضمن مخالفت با او می گویند تا کنون هیچ
یک از پادشاهان ایرانی حتی جمشید، فریدون و منوچهر
در صدد جنگ با دیوان مازندران برنیامده اند؛ در حالی که
لااقل زال باید از لشکر کشی سام پدر خود به مازندران
در عهد منوچهر آگاه باشد. علاوه بر این در لشکر کشی
کیکاووس هرگز از گرگساران و سگسار نام برده نشده،
ولی از صدها فرسنگ فاصله میان ایران و مازندران،
بیابانهای خشک تفته، نبرد با شیر و اژدها و زن جادوگر
و عبور از سرزمین تاریکی و مخاطراتی از اینگونه سخن
به میان است. ۲. اما شاید اقوام ترک تورانی که سرزمین
آنها در جانب شمال و شمال شرق ایران بوده و همواره در
کشمکش با ایرانیان بودند به نسبت سایر اقوام شرقی
سهام بیشتری را در شاهنامه به خود اختصاص داده
باشند.

بشد ویسه سالار توران سپاه ابا لشکر نامور
کینه خواه ۳

تقسیم زمین میان سه پسر فریدون که منتهی به کشته
شدن ایرج به دست دو برادر دیگر می شود آغازگر
دشمنی خونینی است میان ایران و توران، کشته شدن
نوذر جانشین منوچهر که در جنگ اسیر شده به دست
افراسیاب پادشاه توران موجب جنگ با توران می شود.
این جنگ که برای زمانهای درازی قطع می شود، در
دوره پادشاهی پنج نفر از شاهان بعدی یعنی بیش از
سیصد سال به طول می انجامد؛ کشته شدن سیاوش
دیگر مجالی برای صلح باقی نمی گذارد و اکنون انتقام
خون سیاوش شعار همه کس است تا اینکه افراسیاب
که به گوشه ای فرار کرده بود کشته می شود و کیخسرو
فرزند سیاوش را با خود از توران به ایران می آورد. ۴.

در اسناد تاریخی برای نخستین بار در قرن پنجم
میلادی با ترکان آشنا می شویم. ترکان که چینی
ها آنان را توجوویه ۵ می نامند، خود را از نسل آسنا ۶

۱. همان منبع - ص ۶۶

۲. پژوهشی در شاهنامه - کریمان، حسین - ص ۳۳۵ به اختصار

۳. شاهنامه فردوسی - (از چاپ مسکو) - ۵۶

۴. حماسه ملی ایرانیان - نولدکه، تودور - ترجمه بزرگ علوی - نشر سپهر -

چاپ سوم - ۱۳۲۸ ص ۸۹ و ۹۰ به اختصار

5. tuchueh

6. assena

کنند. در ایالت سین کیانگ که تحت نفوذ اسلام و منطقه ای مسلمان نشین بود، زبان فارسی نه تنها زبان رسمی که زبان دینی آنها نیز محسوب می شد و بر زبان عربی برتری داشت. ۵. اکرم خطیبی در کتاب خود مینیاتور ایرانی را نتیجه تاثیر از هنر چین می داند: چون تجار و هنرمندان چین به ایران سفر کردند، چینی ها مینیاتور را به ایران آوردند و هنر نقاشی مینیاتور با هنر نقاشی ایرانی تلفیق شد و ناگهان چهره های نقاشی ظریف ایرانی به قیافه های چینی تبدیل شد. ۶. با آنکه دامنه تفاوت های زبانشناسی مردم چین بسیار زیاد است و در بسیاری از نقاط زبان مردم نقاط دیگر برای کسی مفهوم نیست، زبان مکتوب این ملت در سراسر چین یک شکل داشته و برای همگان قابل فهم بوده است، این عامل به انسانهایی که هزاران کیلومتر از هم دور بودند این امکان را می داد که سنت های ادبی، فلسفی و مذهبی مشترک خود را زنده نگه دارند و تقویت کنند. ۷.

در لغت نامه دهخدا آورده شده که ماچین نام شهر و سرزمینی است در جنوب چین و شرق هندوستان و به معنای بزرگ و عظیم که در سنسکریت به مفهوم مملکت چین است و در ادبیات فارسی نیز اغلب منظور از ماچین سرزمین اصلی چین و منظور از چین، ترکستان شرقی است.

نام ماچین بارها در شاهنامه در کنار دیده می شود:

سپاه آید اورا از ماچین و چین

بما بر شود تنگ روی زمین ۸

در شاهنامه اغلب از چین به شکوه و عظمت یاد می شود :

نخستین سپهدار خاقان چین

که تختش همی بر نتابد بر زمین

تنش زور دارد چو صد نره شیر

سر ژنده پیل آرد اندر به زیر ۹

البته گاه دیده می شود که چین و توران با هم متحد شده و به ایران می تازند:

دگر پنجه از نامداران چین

رفتند و جای آنان نژاد دیگری روی کار آمد که چینیان آنها را تیا و رومیان آفتالیت یا هونهای سفید نامیدند و نزد ایرانیان به هیتل (هیطل یا هیطاله) موسوم بودند. این اقوام در طول تاریخ موجودیت خود بارها و بارها به ایران تاختند و هر بار مغلوب شدند. ۱. نام این قوم را در شاهنامه به ویژه در داستان نبرد خاقان چین و هیتالیان بارها می بینیم:

یکی هفته هیتال با ترک و چین ز اسبان نبرداشتند
ایچ زین

به فرجام هیتال برگشته شد دو بهره مگر خسته و
مرده شد ۲

شاید از میان تمدنهای بزرگ غیر عربی، تمدن چین نخستین تمدنی باشد که اروپائیان با آن آشنا شدند و به ارزیابی آن پرداختند. چین کشوری است پهناور با اوضاع جغرافیایی گوناگون و مساحتی معادل ایالات متحده آمریکا. مرزهای سیاسی و فرهنگی این سرزمین در پارهای دور آنها دو برابر مرزهای کنونی بوده و نقاطی چون تبت، ترکستان چین (سینکیانگ)، مغولستان، منچوری و بخشهایی از کره را در بر می گرفته است. این کشور چندین ریگزار بیابانی، رودهای خروشان، کوههای بلند و کشتزارهای حاصلخیز دارد. چین شمالی عمدتاً در اطراف شهر پکن متمرکز شده است و آب و هوایی خشک و معتدل متمایل به سرد دارد ولی چین جنوبی مرطوب و گرمسیری است. ۳.

توسعه چین در روزگار کهن از هر سو باب بازرگانی و داد و ست با هند و نواحی جنوب شرقی آسیا و خاورمیانه را گشود و راههای دریایی و کاروان رو احداث گردید و هیئتهای مذهبی هندی، آئین بودا را برای هند به ارمغان بردند. بسط و توسعه فرهنگی تا زمان فروپاشی خاندان سلطنتی هان همچنان ادامه داشت. ۴.

جالب است که در زمان حکومت مغولها در چین، زبان فارسی همراه با زبانهای مغولی و چینی زبان رسمی چین شد. در دوره ساسانی گروهی از تاجیکان ایرانی از سغد به صورت دسته جمعی به چین مهاجرت کردند، این جمعیت ایرانی - چینی در جمهوری خلق چین به طور عمده با ملیتهای پامیری معرفی می شوند که در حال حاضر در جنوب غربی منطقه خودمختار سین - کیانگ (لوئیغور) و در جوار کوههای پامیر و تین شان زندگی می

۱. تاریخ ده هزار ساله ایران - رضایی، عبدالعظیم - ص ۱۵

۲. شاهنامه فردوسی - (از چاپ مسکو) - ص ۴۴۴

۳. هنر در گذر زمان - گاردنر، هلن - ص ۷۰۴

۴. گیتاشناسی نوین کشورها - جعفری، عباس - ص ۱۲

۵. مقالات ایرانی زبانان سین کیانگ - اینترنت
www.TOPIranian.com

۶. نقش و رنگ ده هزار ساله تمدن، فرهنگ و هنر ایرانی قبل از اسلام -

خطیبی، اکرم - نشر پردیس - ۱۳۸۱ ص ۱۸۱

۷. هنر در گذر زمان - گاردنر، هلن - ص ۷۰۴

۸. شاهنامه فردوسی - (از چاپ مسکو) - ص ۵۵۲

۹. همان منبع - ص ۱۶۱

آفریده یاد می شود: شانزدهمین سرزمین و کشور نیکی که من اهورامزدا آفریدم، سرزمین گرداگرد سرچشمه رود رنگها بود، جایی که مردمان بی سر زندگی کنند. و جلیل دوستخواه در توصیف مردمان بی سر آورده؛ مردمی که هیچ فرمانروایی را به سالاری خویش نمی پذیرند و در منابع کهن جغرافیایی ایران جای آنان در جزیره های خاوری نزدیک چین ذکر می شود. ۷

در اسطوره های چین بر خلاف اساطیر هند و ایران باستان هیچ مجمع خدایان تثبیت شده ای وجود ندارد. گروه متون رسمی که بر چهره های مذکر تاکید دارند عموماً مجموعه محدودی متشکل از ده خدا و شخصیت اسطوره ای را مطرح می کنند مانند خدای آتش یا خدای کشاورز که مجمعی سست پیوند را تشکیل می دهند. ۸. دیگر اینکه خدایان در چین بر خلاف خدایان آئین هندو یا مهری با هم در حال کشمکش نیستند چرا که دیدیم برای مثال در آئین هندو با انتقال قدرت به تثلیث برهما، ویشنو و شیوا سایر خدایان همچون وارونا، آگنی، سوریا و... به رقابت با خدایان جدید می پردازند. ۹.

در ادامه به سرزمینهایی اشاره می کنیم که اگرچه تقسیمات جغرافیایی آنها را در محدوده سرزمینهای شرقی قرار می دهد، اما از دیدگاه شاهنامه در این گروه جای نمی گیرند چرا که اغلب در غرب ایرانی هستند که از دیدگاه فردوسی مرکز هستی است و واسط میان شرق و غرب. از این جمله اند:

بربرستان و هاماوران؛ نشانی محل بربرستان بنابر اشعار شاهنامه چنان است که دریا در میان و مصر در دست چپ و بربر در دست راست و شهر هاماوران در پیش رو قرار دارد، در این باره و در رفتن کاووس از زابلستان به بربرستان و مصر و شام جهت سد کوبی یاغیان چنین آمده است:

همی راند تا در میان سه شهر
ز گیتی بر این گونه جوینده بهر
به دست چپش مصر و بربر به راست
ز ره بر میانه بر آنسو که خواست
به پیش اندرون شهر هاماوران
به هر کشوری در سپاهی گران ۱۰

در اینجا بر طبق تصور فردوسی و یا قول منابع وی،

۷. اوستا کهن ترین سرودهای ایرانیان - دوستخواه، جلیل - جلد دوم - ص ۶۶۳ و ۶۶۴ به اختصار

۸. اسطوره های چینی - بیرل، آن - ص ۳۰

۹. اساطیر هند - ایونس، ورونیکا - ص ۱۲۷

۱۰. پژوهشی در شاهنامه - کریمان، حسین - ص ۱۳۰

بفرمود تا پیران ۱ کرد گزین ۲
و گاه نیز روابط بسیار نیکو است تا جایی که خسرو شاه ایران سه ماه در چین اقامت میکند و از خاقان چین هدایای بسیار می گیرد.

به چین اندرون بود خسرو سه ماه

ابا نامداران ایران سپاه ۳

ز دینار چینی ز بهر نثار

بیاورد فغفور ۴ چین صد هزار ۵

رابطه مهم میان انزوای نسبی سرزمین چین و نزدیکی آن با اقوام همسایه پرسش مربوط به منشاء مردم چین را مطرح می کند. با در نظر گرفتن پهناوری و اهمیت این منطقه، در مورد منشاء فیزیکی و نژادی آنها شواهد قانع کننده ای در دست نیست. کشف مهم استخوانهای باقیمانده در غاری واقع در ژوکوتیان در نزدیک پکن که بر اساس آزمایش رادیو کربن مربوط به ۱۶۹۲۳ سال ق م است در آغاز تحت عنوان انسان پکنی طبقه بندی شد اما اکنون عقیده بر این است که بقایای مزبور به سرخپوستان دشتهای آمریکا تعلق دارد و نه اقوام مغول یا آسیایی. نخستین استخوانهای مغولی در جنوب چین، در استان گوانگ شی کشف شد که هویت و تاریخ آن روشن نیست. هویت مجمله ناقصی که از سیچوان بدست آمده و مربوط به ۵۵۳۵ سال ق م است نیز مشخص نیست. از جمله دیدگاههای موثق این است که منشاء چینی ها مغولانی هستند که ترکیبی از اقوام دوران باستان را تشکیل می دهند و به اندازه پولینزی ها و سرخ پوستان آمریکا متنوع اند. اما شواهد مربوط به اجداد مردمان ساکن در قلمرو چین در فاصله سالهای ۱۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰ ق م هنوز به پژوهشهای باستان شناسی بیشتری نیاز دارد. به دوره نوسنگی که می رسیم، استخوانهای

باقیمانده از گورستانهای روستایی در شمال چین که مربوط به حدود ۵۰۰۰ سال ق م است نشانگر ویژگیهای مغولی و بدون هر گونه تنوع در خور توجه است. ۶

در وندیداد اوستا از سرزمین گرداگرد سرچشمه رود رنگها و شانزدهمین سرزمین و کشوری که اهورامزدا

۱. پیران نام یکی از پهلوانان مشهور تورانی است.

۲. همان منبع - ص ۲۰۲

۳. همان منبع - ص ۲۴۷

۴. فغفور به معنی خاقان است.

۵. همان منبع - ص ۲۴۷

۶. اسطوره های چینی - بیرل، آن - ترجمه عباس مخبر - نشر مرکز - ۱۳۸۴

ص ۷۰۶ به اختصار

بربر همان صحرای نفوذ، و شمر در جنوب عراق و شمال عربستان است.^۱

جالب است که بدانیم سرزمین مصر اگر چه به لحاظ تقسیمات جغرافیایی در افریقا قرار می گیرد، اما در شاهنامه اغلب در کنار یمن، هاماوران و بربرستان و در یک حوزه مشترک دیده می شود.

از اعراب نیز به تدریج در اواخر شاهنامه یاد شده است:

بدو گفت من قیس ابن حارثم

ز آزادگان عرب وارثم^۲

سوریه، بغداد، حجاز، و... اسامی جغرافیایی دیگری هستند در حوزه کشورهای عرب امروزی که در شاهنامه دیده می شوند.

آسیای صغیر نیز اگر چه امروزه در محدوده آسیا است اما در شاهنامه همواره در تصرف روم، همان سنبل غرب است.

ارمنستان یا ارمیان هم در شاهنامه به نظر جایی در مرز شرق و غرب تصور شده است که خود آن در غرب قرار می گیرد:

ز تازی و هندی و ایرانیان

ببستند پیشش کمر بر میان

روارو چنین تا بمرز خزر

زارمینه تا در باختر^۳

و باید دانست که باختر در شاهنامه به معنای شرق آمده است.

روسیه نیز که در شمال غربی آسیا و شرقی اروپا قرار دارد و بخشی از خاک آن در آسیا و بخش دیگر در اروپاست در شاهنامه فردوسی با غرب نزدیکی بیشتری دارد:

به روم اندرون شاه بد فیلقوس

یکی بود بارای او شاه روس

و یا:

نخستین که بنهاد گنج عروس

ز چین و ز برطاس و ز روم و روس^۴

اسامی بسیاری از شهرها و سرزمینهای دیگر نیز در شاهنامه دیده می شوند که هر یک برای خود فرصتی جهت بررسی می طلبند که متأسفانه در این مقاله مجالی برای طرح همه آنها نبود. از تمام آنچه تا حال گفته شد

۱. همان منبع - ص ۱۳۰ به اختصار

۲. شاهنامه فردوسی - (از چاپ مسکو) - ص ۵۰۳

۳. همان منبع - ص ۵۲۸

۴. همان منبع - ص ۵۳۴

چنین حاصل می شود که ملل شرق از دیدگاه شاهنامه با آنچه که امروزه به عنوان سرزمینهای شرقی پذیرفته شده متفاوت است و در حالی که دانش جغرافیا عموماً شرق را تمام سرزمینهای آسیایی می داند اما در شاهنامه ای که ایران مرکز عالم شناخته می شود هر سرزمینی که در شرق ایران زمین باشد، شرقی و هر سرزمینی که در سوی غرب آن باشد، غربی خوانده می شود.

ملل شرق از تاریخ و پیشینه ای غنی برخوردارند و آنچه تا کنون باستان شناسان در مطالعات خود بدست آوردند حاکی از آن است که نخستین نشانه های تمدن در این سرزمینها شکل گرفته است.

از مجموع روایات شاهنامه درباره هر یک از این سرزمینها می توان ویژگی خاصی را به روشنی دریافت؛ برای مثال تورانیان همواره دشمن ایرانیان هستند و حتی صلح آنها چندان به رضایت نیست، سرزمین هندوستان به زیبایی و خرمی و چین و ماچین را با شکوه و عظمت آن در شاهنامه در می یابیم. این ملل همچون همسایگان جهان امروزی، گاه در صلح و گاه در اختلاف بودند اما هرگز این اختلافات مانع ارتباط و آشنایی آنها نبود. پس از سالیان درازی که از آشنایی و ارتباط این ملل با هم می گذشت اختلاط و آمیزش میان آنها کاملاً بدیهی به نظر می رسد که گاه در پی رفت و آمدهای تجاری و گاه در پی جنگی صورت گرفته باشد. در شاهنامه نیز می خوانیم:

از ایران و ز ترک و ز تازیان

نژادی پدید آید اندر میان

نه دهقان و نه ترک و نه تازی بود

سرخنها به کردار بازی بود^۵

در این میان برخی از ملل که ذکر آنها پیش از این آمد از شهرت بیشتری در جهان باستان و تاریخ کهن برخوردار بودند و اغلب در شاهنامه نیز نامشان به دفعات دیده می شود که خود نشان آشنایی و رابطه میان این سرزمینها و ایران است. این ارتباط را از شباهتهای موجود میان اساطیر و سنبلهای این ملل نیز می توان دریافت، حتی اساطیر چین باستان هم که تفاوت بیشتری با اساطیر هندو ایرانی دارد از اعتقاد چندخدایی حاکم در سرزمینهای شرق باستان پیروی می کند.

۵. همان منبع - ص ۵۴۶

فهرست منابع

۱. آ. بلنیتسکی - خراسان و ماوراءالنهر (آسیای میانه) - ترجمه پرویز ورجاوند - نشر آسیا - چاپ دوم - (۱۳۷۱)
۲. ایونس، ورونیکا - اساطیر هند - ترجمه باجلان فروغی - نشر اساطیر - (۱۳۸۱)
۳. بیرل، آن - اسطوره های چینی - ترجمه عباس مخبر - نشر مرکز - (۱۳۸۴)
۴. جنیدی، فریدون - زندگی و مهاجرت آریاییان بر پایه گفتارهای ایرانی - نشر بلخ - (۱۳۸۶)
۵. جی. آدلر، فیلیپ - تمدنهای عالم - ترجمه محمد حسین آریا - نشر امیر کبیر - (۱۳۸۴)
۶. جعفری، عباس - گیتا شناسی نوین کشورها - مؤسسه جغرافیایی کار توگرافی گیتا شناسی - (۱۳۸۴)
۷. چایلدع ویرگوردون - آریاییان - ترجمه محمد تقی فرامرزی - نشر نگاه - (۱۳۸۶)
۸. خطیبی، اکرم - نقش و رنگ ده هزار ساله تمدن، فرهنگ و هنر ایرانی پیش از اسلام - نشر پردیس - (۱۳۸۱) ۹۸. دوستخواه، جلیل - اوستا کهن ترین سرودهای ایرانیان - نشر مروارید - (۱۳۷۱) ۹۰۹. دادور، ابوالقاسم و منصور، الهام - درآمدی بر نمادها و اسطوره های ایران و هند در عهد باستان - نشر کلهر - (۱۳۸۵) ۱۰.
۱۰. دانشنامه ویکی پدیا - اینترنت - www.Wikipedia.or
۱۱. رضایی، عبدالعظیم - تاریخ ده هزار ساله ایران - نشر اقبال - (۱۳۷۸)
۱۲. شکورزاده، میرزا - تاجیکان، آریاییان و فلات ایران - نشر سروش - چاپ دوم - (۱۳۸۳)
۱۳. طلایی، حسن - باستان شناسی و هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد - انتشارات سمت - (۱۳۷۴)
۱۴. فردوسی ع حکیم ابوالقاسم - شاهنامه فردوسی - تحت نظر: ی. ا. برتلس (از چاپ مسکو) - نشر اندیشه علم - (۱۳۸۱)
۱۵. کریمان، حسین - پژوهشی در شاهنامه - سازمان اسناد ملی ایران - (۱۳۷۵)
۱۶. گاردنر، هلن - هنر در گذر زمان - تجدید نظر از: دلاکرواع هروست و ج. تنسی - ترجمه محمد تقی فرامرزی - نشر آگاه و نگاه - (۱۳۸۶)
۱۷. لوکاس، هنری - تاریخ تمدن - ترجمه دکتر عبدالحسین آذرنگ - کتابخانه ملی ایران - (۱۳۸۲)
۱۸. م. لوفر، دلاشو - زبان رمزی افسانه ها - ترجمه جلال ستاری - نشر توس - (۱۳۸۶)
۱۹. موریس رابرتس، جان - تاریخ جهان (تاریخ تحلیلی جهان از آغاز تا پایان قرن بیستم) - ترجمه منوچهر شادان - نشر بهجت - (۱۳۸۶)
۲۰. مقالات ایرانی زبانان سین کیانگ - اینترنت www.TOPiraini ۲۱. نولدکه، تئودور - حماسه ملی ایرانیان - ترجمه بزرگ علوی - نشر سپهر - چاپ سوم - (۱۳۲۸)
۲۲. ورمارزن، مارتن - آئین میترا - ترجمه بزرگ نادرزاد - نشر چشمه - (۱۳۷۲)
۲۳. ویسهوفر، یوزف - ایران باستان از ۵۵۰ ق. م تا ۶۵۰ پ. م - ترجمه مرتضی ثاقب فر - نشر ققنوس - (۱۳۷۸)